



دومین مدرسه تابستانی مطالعات علم
گروه مطالعات علم مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران

نسبی‌انگاری و منتقدانش

علم، فلسفه، اخلاق

دفترچه چکیده‌ها و منابع سخنرانی‌ها

مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران

شهریور ۱۳۹۸

گروه مطالعات علم مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران - شهریور ۱۳۹۸

❖ دبیر علمی: حسین شیخ‌رضایی

❖ کمیته علمی: محمدرضا اسمخانی، حسن امیری‌آرا، حامد بیکران‌بهشت، مهدی هاتف

❖ دبیر اجرایی: محمدرضا اسمخانی

❖ با تشکر از: دکتر غلامرضا زکیانی، دکتر شاپور اعتماد، دکتر محمود یوسف‌ثانی

گروه مطالعات علم مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران - شهریور ۱۳۹۸

❖ دبیر علمی: حسین شیخ‌رضایی

❖ کمیته علمی: محمدرضا اسمخانی، حسن امیری‌آرا، حامد بیکران‌بهشت، مهدی هاتف

❖ دبیر اجرایی: محمدرضا اسمخانی

❖ با تشکر از: دکتر غلامرضا زکیانی، دکتر شاپور اعتماد، دکتر محمود یوسف‌ثانی

گروه مطالعات علم مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران - شهریور ۱۳۹۸

❖ دبیر علمی: حسین شیخ‌رضایی

❖ کمیته علمی: محمدرضا اسمخانی، حسن امیری‌آرا، حامد بیکران‌بهشت، مهدی هاتف

❖ دبیر اجرایی: محمدرضا اسمخانی

❖ با تشکر از: دکتر غلامرضا زکیانی، دکتر شاپور اعتماد، دکتر محمود یوسف‌ثانی

گروه مطالعات علم مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران - شهریور ۱۳۹۸

❖ دبیر علمی: حسین شیخ‌رضایی

❖ کمیته علمی: محمدرضا اسمخانی، حسن امیری‌آرا، حامد بیکران‌بهشت، مهدی هاتف

❖ دبیر اجرایی: محمدرضا اسمخانی

❖ با تشکر از: دکتر غلامرضا زکیانی، دکتر شاپور اعتماد، دکتر محمود یوسف‌ثانی

گروه مطالعات علم مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران - شهریور ۱۳۹۸

❖ دبیر علمی: حسین شیخ‌رضایی

❖ کمیته علمی: محمدرضا اسمخانی، حسن امیری‌آرا، حامد بیکران‌بهشت، مهدی هاتف

❖ دبیر اجرایی: محمدرضا اسمخانی

❖ با تشکر از: دکتر غلامرضا زکیانی، دکتر شاپور اعتماد، دکتر محمود یوسف‌ثانی

برنامه مدرسه تابستانی «نسبی انگاری و منتقدانش؛ علم، فلسفه، اخلاق»

روز	ساعت		افتتاحیه	نسبی انگاری: تاریخچه، تعریف و انواع امیر احسان کو بهاسی زاده	نسبی انگاری مفهومی علی حسن خانی	نسبی انگاری روش علمی (۱) مهدی هاتف	نسبی انگاری زیبایی امیر عالیار	پیش و پاشخ	نسبی انگاری و زندگی روزنامه حسین شیخ رضایی		نسبی انگاری در مقابل	پیش و پاشخ	۱۷۴۵- ۱۸
سه‌شنبه	۹/۸/۱۵	۸۳۰-۹									نسبی انگاری و مقابل مطلق انگاری سید ریاحی کام	پیش و پاشخ	۱۶۳۰-۱۷/۴۵
چهارشنبه	۹/۸/۱۶	-									نسبی انگاری و برنامۀ قوی شیرام شیرازی	پیش و پاشخ	۱۶۳۰-۱۷/۴۵
پنج‌شنبه	۹/۸/۱۷	۸۳۰-۹									نسبی انگاری و زندگی روزنامه حسین شیخ رضایی	پیش و پاشخ	۱۶۳۰-۱۷/۴۵

سخنرانان (به ترتیب حروف الفبا)

Professor Maria Baghramian

Professor of Philosophy, University
College Dublin

❖ دکتر حسین شیخ‌رضایی

عضو هیأت علمی گروه مطالعات علم، مؤسسه
پژوهشی حکمت و فلسفه ایران

❖ دکتر محمدرضا اسمخانی

دانش‌آموخته و پژوهشگر گروه مطالعات علم،
مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران

❖ دکتر امیر احسان کرباسی‌زاده

عضو هیأت علمی گروه فلسفه، دانشگاه اصفهان

❖ دکتر امیر مازیار

عضو هیأت علمی گروه فلسفه هنر، دانشگاه هنر

❖ دکتر حسن امیری‌آرا

دانش‌آموخته و پژوهشگر گروه مطالعات علم،
مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران

❖ دکتر میثم محمدامینی

عضو هیأت علمی پژوهشکده مطالعات بنیادین
علم و فناوری، دانشگاه شهید بهشتی

❖ دکتر حامد بیکران‌بهشت

دانش‌آموخته و پژوهشگر گروه مطالعات علم،
مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران

❖ دکتر مهدی هاتف

دانش‌آموخته و پژوهشگر گروه مطالعات علم،
مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران

❖ دکتر علی حسین‌خانی

پژوهشگر پژوهشکده فلسفه تحلیلی، پژوهشگاه
دانش‌های بنیادی

❖ دکتر ابوتراب یغمایی

عضو هیأت علمی پژوهشکده مطالعات بنیادین
علم و فناوری، دانشگاه شهید بهشتی

❖ دکتر امیر حسین خداپرست

عضو هیأت علمی گروه فلسفه غرب، مؤسسه
پژوهشی حکمت و فلسفه ایران

❖ دکتر غلامرضا زکیانی

رئیس مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران

❖ دکتر سعید زیباکلام

عضو هیأت علمی گروه فلسفه، دانشگاه
تهران

❖ دکتر شهرام شهریاری

دانش‌آموخته و مدرس فلسفه علم، پژوهشگاه
علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

فهرست

- ۱ نسبی‌گرایی: تاریخچه، تعاریف و انواع / ❖ امیراحسان کرباسی‌زاده
- ۲ نسبی‌گرایی مفهومی / ❖ علی حسین خانی
- ۳ نسبی‌انگاری صدق (۱) / ❖ میثم محمدامینی
- ۴ نسبی‌گرایی صدق (۲) (نسبی‌گرایی و مسأله‌ی خودابطال‌گری) / ❖ حامد بیکران‌بهشت
- ۵ نسبی‌انگاری در مقابل مطلق‌انگاری / ❖ سعید زیباکلام
- ۶ نسبی‌انگاری و مدل‌سازی در علم / ❖ ابوتراب یغمائی
- ۷ نسبی‌انگاری روش علمی (۱) / ❖ مهدی هاتف
- ۸ نسبی‌انگاری روش علمی (۲) (سنجش‌ناپذیری تامس کون و نسبی‌انگاری) / ❖ حسن امیری‌آرا
- ۹ نسبی‌انگاری عقلانیت / ❖ محمدرضا اسمخانی
- ۱۰ نسبی‌انگاری و برنامه‌قوی / ❖ شهرام شهریار
- ۱۱ منطق و نسبیت / ❖ غلامرضا زکیانی
- ۱۲ نسبی‌گرایی اخلاقی / ❖ امیرحسین خداپرست
- ۱۳ نسبی‌انگاری زیبایی / ❖ امیرمازیار
- ۱۴ نسبی‌انگاری و زندگی روزمره / ❖ حسین شیخ‌رضایی

The Value of Relativism / ❖ Professor Maria Baghramian

15

- ۱۶ منابع انگلیسی
- ۲۲ منابع فارسی

نسبی‌گرایی: تاریخچه، تعاریف و انواع

❖ امیراحسان کرباسی‌زاده

نسبی‌گرایی آموزه‌ای است به قدمت خود فلسفه. از جمله معروف پروتوگوراس که انسان معیار همه چیز است گرفته تا سخن لاتور که فعالیت علمی در باب طبیعت نیست بلکه تلاش و پیکاری است سرسختانه برای برساخن واقعیت، هر دو نوعی از نسبی‌گرایی را بیان می‌کنند. در این سخنرانی به تعریف نسبی‌گرایی خواهیم پرداخت و پس از آن مختصری در باب تاریخچه آن سخن می‌گوییم. در ادامه به معرفی انواع نسبی‌گرایی، از جمله نسبی‌گرایی فرهنگی، نسبی‌گرایی مفهومی، نسبی‌گرایی در مورد صدق و معرفت و نسبی‌گرایی اخلاقی می‌پردازیم.

منابع:

- Baghramian, M., 2004, *Relativism*, London, New York: Routledge.
- , 2007, "Relativism about Science", in *Routledge Companion to Philosophy of Science*, London, New York: Routledge :236 -247.
- , 2010, "Relativism: A Brief History", in Krausz 2010: 31-50
- Krausz, M. (ed.), 1989, *Relativism: Interpretation and Confrontation*, Notre Dame, IN: University of Notre Dame Press.
- , (ed.), 2010, *Relativism: A Contemporary Anthology*, New York: Columbia University Press.



نسبی‌گرایی مفهومی

❖ علی حسین‌خانی

نسبی‌گرایی مفهومی بر یک دوانگاری در باب مفهوم و محتوا مبتنی است: مفاهیم (نظریه‌ها و یا زبان‌های ما) اموری مستقل از جهان هستند که ذهن توسط آنها محتوایی خنثی (واقعیت، طبیعت، تجربه، و مشابه آن) را تقسیم‌بندی و یا نظم‌دهی می‌کند. بر اساس نسبی‌گرایی مفهومی، جهان پیشاپیش آماده و سامان داده شده نیست، بلکه سوژه، از طریق مجموعه مفاهیم خود به نظم‌بخشی و تبیین جهان می‌پردازد و همواره ممکن است نظام‌های مفهومی بسیار متفاوتی از یکدیگر وجود داشته باشند که برای ما غیرقابل فهم باشند. دیویدسون از مهم‌ترین فلاسفه‌ای است که علیه نسبی‌گرایی مفهومی استدلال کرده است. وی نظام‌های مفهومی را همبسته با زبان و بنیان فهم زبان را نیز امکان ترجمه آن در نظر می‌گیرد. بنابراین، نسبی‌گرایی مفهومی به این دیدگاه بدل می‌شود که ممکن است زبان‌هایی اساساً غیرقابل ترجمه به یکدیگر وجود باشند. اما او معتقد است که نمی‌توان چیزی را «زبان» نامید و در عین حال معتقد بود که آن زبان ترجمه‌ناپذیر است. در این صورت نسبی‌گرایی مفهومی را باید موضعی نامعقول در نظر گرفت. در این سخنرانی، پس از معرفی نسبی‌گرایی مفهومی، به استدلال دیویدسون علیه آن خواهیم پرداخت. در ادامه تلاش خواهد شد به برخی از انتقاداتی که از سوی باگرامیان، بار-آن، و هکر در این مورد مطرح شده است اشاره شود.

منابع:

- Baghramian, Maria (2004). *Relativism: Problems of Philosophy*. New York: Routledge.
- Davidson, Donald (1974). 'On the Very Idea of a Conceptual Scheme', *Proceedings and Addresses of the American Philosophical Association*, 47, 5-20. Reprinted in D. Davidson (1984) *Inquiries into Truth and Interpretation*, Oxford: Oxford University Press: 183-98.



نسبی‌انگاری صدق (۱)

❖ میثم محمدامینی

نسبی‌انگاری به تعبیری بسیار کلی عبارت است از این دیدگاه که دست‌کم بعضی چیزها که واجد ویژگی‌هایی مانند زیبایی یا خیر اخلاقی یا موجه بودن به لحاظ معرفتی هستند این ویژگی‌ها را نه به صورت مطلق، بلکه فقط نسبت به یک چارچوب مشخص برای ارزیابی (نظیر هنجارهای فرهنگی و تاریخی یا معیارهای شخصی) دارا هستند و بنابراین ادعاها درباره‌ی اینگونه ویژگی‌ها فقط در صورتی صادق است که چارچوب ارزیابی آن معین شده باشد.

بسیاری از اعتراض‌ها به نسبی‌انگاری حول محور نسبی‌انگاری در باب صدق و مبتنی بر این اندیشه است که نسبی کردن مفهوم صدق گرفتار نوعی عدم انسجام یا تناقض درونی است. مفهوم صدق با بسیاری مفاهیم اساسی دیگر نظیر واقعیت و باور و معرفت در ارتباط است و در بیشتر طرح‌های مفهومی نقش بنیادی دارد.

در این جلسه درباره‌ی ارتباط مفهوم تناقض و نسبی‌انگاری بحث می‌کنیم و اینکه چطور نسبی‌انگاری درباره‌ی صدق می‌تواند راهی برای اجتناب از تناقض باشد. سپس چند راه برای نسبی کردن مفهوم صدق و ایرادهای وارد به آنها معرفی می‌شود. در بخش بعدی درباره‌ی رابطه نظریات مختلف صدق و نسبی بودن صدق صحبت می‌کنیم. در نهایت نیز، با توجه به رابطه نزدیک صدق و منطق، به این پرسش می‌پردازیم که آیا منطق نسبی است.

منابع:

O'Grady, P. (2002) *Relativism*, Acumen Press, (chap. 2).

John Macfarlane (2014) *Assessment Sensitivity*, Oxford University Press.

Patrick Shireff and Brian Weatherson (2017) 'Relativism' in Bob Hale and Crispin Wright, eds. *Blackwell Companion to Philosophy of Language*, Vol. II (Blackwell, 2nd edition).

Baghramian, Maria and Carter, J. Adam (2018) "Relativism", *The Stanford Encyclopedia of Philosophy* (Winter 2018 Edition), Edward N. Zalta (ed.)



نسبی‌گرایی صدق (۲) (نسبی‌گرایی و مسأله‌ی خودابطال‌گری)

❖ حامد بیکران بهشت

مهم‌ترین انتقاد وارد شده بر نسبی‌گرایی را می‌توان اتهام خودابطال‌گر بودن آن دانست. افلاطون نخستین کسی بود که دو استدلال خودابطال‌گرایانه‌ی مختلف را بر نسبی‌گرایی (ذهنی‌گرایی) پروتاگوراس وارد کرد. مخالفان جدید نسبی‌گرایی این استدلال‌ها را بازتقریر نموده و از آن‌ها دفاع کرده‌اند. یک استدلال از این قرار است که اگر ادعای نسبی‌گرا (این‌که هر آن‌چه صادق است نسبت به یک شخص، چارچوب مفهومی، جامعه، فرهنگ، یا چیز دیگری مانند آن صادق است، نه به طور مطلق) را بپذیریم، در آن صورت این ادعا باید شامل خود نسبی‌گرایی نیز بشود؛ یعنی نسبی‌گرایی صرفاً نسبت به یک، مثلاً، چارچوب مفهومی خاص صادق است، و نسبت به سایر چارچوب‌های مفهومی کاذب است. هم‌چنین، خود نسبی‌گرا می‌پذیرد که دیدگاه مخالفان نسبی‌گرایی نسبت به چارچوب مفهومی خودشان صادق است. بنابراین، نسبی‌گرا عملاً کذب دیدگاه خود را می‌پذیرد. مدافعان نسبی‌گرایی به این استدلال‌ها پاسخ داده‌اند. در این ارایه، این استدلال‌ها و پاسخ‌های داده شده به آن‌ها بررسی می‌شوند.

منابع:

Baghramian, M. (2004). *Relativism* (London: Routledge). (Chs. 1,4)

Siegel, H. (1987). *Relativism refuted: A critique of contemporary epistemological relativism* (Dordrecht, The Netherlands: D. Reidel Publishing Company). (Ch. 1)



نسبی‌انگاری در مقابل مطلق‌انگاری

❖ سعید زیباکلام

در این ارائه، به این مسائل و مباحث خواهم پرداخت: (۱) «چیستی لولوی نسبی‌انگاری»؟ یعنی، نسبی‌انگاری چه چیزی تلقی می‌شود که همچون «لولویی» ترسناک می‌نماید؟ (۲) «چیستی نسبی‌انگاری»؟ و تلقی معقول و درست از این آموزه؟ (۳) آیا متفکران/فیلسوفان نسبی‌انگار نسبت به رویدادها و پدیده‌های جامعه خود و سایر جوامع بلاموضع و مستأصل هستند؟ و آیا متفکران/فیلسوفان نسبی‌انگار نسبت به مکاتب یا مواضع فلسفی حوزه تخصصی خود مستأصل و سرگردانند؟ (۴) چیستی مطلق‌انگاری؟ (۵) چیستی موازین ارزیابانه و آراء بنیانی فراتاریخی و فرااجتماعی جهان‌شمول؟ و اینکه آیا «اتفاق‌رأی کامل» درباره آن موازین و آراء وجود دارد؟ (۶) فهرست حقیقی موازین جهان‌شمول فراپارادایمی ابدی؟ (۷) افسانه آرامبخش مطلق‌انگاری!



نسبی‌انگاری و مدل‌سازی در علم

❖ ابوتراب یغمائی

مدل‌سازی در علم احتمالاً رایج‌ترین فعالیت است. دانشمندان سعی می‌کنند از طریق نظریه‌ها، مدل‌ها، نمودارها، معادلات و چیزهایی از این دست جهان مورد نظرشان را بازنمایی کنند. اما مدل‌کردن یا بازنمایی جهان به چه معناست؟ در سال‌های اخیر پاسخ‌های متعددی به این پرسش داده شده که بسیاری از آن‌ها با یکدیگر ناسازگارند. از یک سو، برخی بر این باورند که بازنمایی علمی رابطه‌ای دو سویه میان مدل و جهان است که در آن عامل شناختی نقش سازنده‌ای ندارد. از سوی دیگر، برخی مدعی‌اند که بازنمایی علمی پیش از هر چیز یک نوع کنش است که وجهه‌ای جمعی دارد. به عبارت دیگر، در این‌که آیا الف مدل ب است یا خیر توافق دانشمندان نقش سازنده‌ای دارد. اما آیا این ادعا مستلزم آن نخواهد بود که مدل‌های علمی برساخته‌های اجتماعی‌اند و بنابراین، مدل‌ها به‌نحو عینی جهان را بازنمایی نمی‌کنند؟ در این سخنرانی سعی می‌شود به این پرسش و نظرات پیرامون آن پرداخته شود.

منابع:

Boesch, Brandon. "The means-end account of scientific, representational actions." *Synthese* (2019): 1-18.

Boesch, Brandon. "There is a special problem of scientific representation." *Philosophy of Science* 84.5 (2017): 970-981.

Knuuttila, Tarja, and Andrea Loettgers. "Modelling as indirect representation? The Lotka-Volterra model revisited." *The British Journal for the Philosophy of Science* 68.4 (2016): 1007-1036.

Knuuttila, Tarja. "Scientific Representation, Reflexivity, and the Possibility of Constructive Realism." *New directions in the philosophy of science*. Springer, Cham, 2014. 297-312.

Knuuttila, Tarja. "Modelling and representing: An artefactual approach to model-based representation." *Studies in History and Philosophy of Science Part A* 42.2 (2011): 262-271.



نسبی‌انگاری روش علمی (۱)

❖ مهدی هاتف

«معمای جدید استقرا» ضربه مهلکی بود از جانب فلسفه معاصر بر پیکر تنومند استقرا. اما گودمن، طراح این معما، به فاصله کوتاهی از طرح این چالش، خود دست به کار پاسخی برای آن شد. پاسخی که هرچند اعتبار استقرا را بازیافت، اما اکیداً آن را وابسته به زبانی ساخت که فرضیات استقرایی در آن بیان می‌شوند؛ امری که از آن به «نسبی‌گرایی استقرایی» تعبیر شده است. می‌توان نشان داد همین ایده زمینه نسخه دیگری از نسبی‌گرایی، یعنی نسبی‌گرایی وجودشناختی، را که از قضا آن نیز با نام گودمن گره خورده، فراهم می‌سازد. کسان بسیاری کوشیده‌اند با بهره‌گیری از ایده انواع طبیعی راه را بر نسبی‌گرایی گودمن سد کنند. از این میان برخی انواع طبیعی را به معنای تقسیمات واقعی و عینی طبیعت فهمیده‌اند و برخی دیگر آنها را برخاسته از تقسیمات طبیعی دستگاه شناختی ما دانسته‌اند. هر دو گروه اما در این نکته اتفاق نظر دارند که کشف انواع طبیعی، و به تعبیری زبده‌ترین نمونه‌های آن، کار علوم تجربی است. از این رو می‌توان گفت در این پیشنهادات بار حل معمای جدید استقرا به نوعی بر دوش علوم طبیعی گذاشته شده است. من بنا دارم به مشکلاتی بپردازم که این نتیجه بدانها مبتلاست.

منابع:

Goodman, Nelson. (1979), *Fact, Fiction and Forecast*, Part III 'the new riddle of induction', PP. 59-83, Harvard University Press.

Quine, W. V. (1969). Natural kinds, In *Ontological Relativity and Other Essays*, pp. 114-38. Columbia University Press.



نسبی‌انگاری روش علمی (۲) (سنجش‌ناپذیری تامس کون و نسبی‌انگاری)

❖ حسن امیری‌آرا

یکی از مفاهیم کلیدی در اندیشهٔ توماس کون (۱۹۲۲-۱۹۹۶)، فیلسوف و مورخ شهیر آمریکایی، «سنجش‌ناپذیری» (incommensurability) است. او ابتدا در اثر اصلی خود، ساختار انقلاب‌های علمی (۱۹۶۲)، این اصطلاح را به‌کار گرفت. در سراسر اندیشه‌های متأخر کون نیز این اصطلاح و کاربرد آن به چشم می‌خورد. سنجش‌ناپذیری ریشه در ریاضیات یونان باستان دارد و به معنای فقدان وجود واحد مشترک برای اندازه‌گیری کامل دو طول است. به طور کلی، سنجش‌ناپذیری در فلسفه علم، به دو دسته روش‌شناختی و سمانتیک تقسیم می‌شود. مطابق سنجش‌ناپذیری روش‌شناختی، معیارها و روش‌های مقایسهٔ میان نظریه‌های علمی متوالی، یا به طور کلی، پارادایم‌ها، سنجش‌ناپذیرند و اموری جهان‌شمول و مستقل از نظریه و پارادایم نیستند. طبق سنجش‌ناپذیری سمانتیک، اصطلاحات به‌کار رفته در نظریه‌های عملی متوالی یا رقیب از حیث مفهومی با یکدیگر سنجش‌ناپذیرند. این انگارهٔ کون الهام بخش آموزه‌های نسبی‌انگاران در فلسفه بوده است. به طور کلی، استدلال شده است که سنجش‌ناپذیری نشان می‌دهد ارزیابی و مناقشهٔ عقلانی میان نظریه‌های علمی ممکن نیست. از انگارهٔ سنجش‌ناپذیری هم در دفاع از نسبی‌انگاری مفهومی و هم نسبی‌انگاری هستی‌شناختی استفاده شده است.

در این ارائه، ابتدا تلاش می‌کنم «سنجش‌ناپذیری» را در اندیشهٔ کون توضیح دهم، سپس می‌کوشم نشان دهم این انگاره چگونه ممکن است با نسبی‌انگاری مرتبط شود.

منابع:

- Oberheim, E. and Hoyningen-Huene, P. (2018). The Incommensurability of Scientific Theories. *The Stanford Encyclopedia of Philosophy*, Edward N. Zalta (ed.),
URL= <https://plato.stanford.edu/archives/fall2018/entries/incommensurability/>
Bird, A. (2011). Thomas Kuhn's Relativistic Legacy. *A companion to relativism*, 475-488.



نسبی‌انگاری عقلانیت

(نسبی‌گرایی و عقلانیت در فلسفه رورتی: از گفتگوگرایی تا قوم‌محوری)

❖ محمدرضا اسمخانی

هدف اصلی این ارائه گزارشی از دیدگاه‌های ریچارد رورتی دربارهٔ معرفت‌شناسی و پیامدهای نسبی‌گرایانهٔ آن است. در این راستا، ابتدا توصیفی از الگوی کلاسیک عقلانیت، و نیز سرچشمه‌های تردید در آن که به دیدگاه‌های نسبی‌گرایانه دامن زدند، ارائه می‌شود. سپس، در بخش اصلی، به دیدگاه‌های رورتی و نقدهای وارد بر آن می‌پردازیم: در گام نخست، نگرش ضد معرفت‌شناختی او را در سه محور توضیح می‌دهیم: رفتارگرایی معرفت‌شناختی، ضدبازنمودگرایی، و ضدذاتگرایی. در گام دوم، به پیامدهای بی‌واسطهٔ این نگرش در خصوص «معرفت» می‌پردازیم: از جمله این رأی که معرفت «سرشت» و «ذات» ای ندارد، و از این رو نیازی به «نظریه» ندارد. در گام سوم، برداشت خاص رورتی از نسبی‌گرایی تحت عنوان «قوم‌محوری»، و نیز امتیازهای این تلقی ویژه، را شرح می‌دهیم. در گام چهارم، چند نقد اساسی به «قوم‌محوری» از جانب معرفت‌شناسان معاصر، از جمله باگرامیان و پاتنم، را بازگو می‌کنیم، و در نهایت با تکیه بر ابعاد دیگری از فلسفهٔ پسامعرفت‌شناختی رورتی - «هرمنوتیک»، «گفتگو»، و «پرورش» - پاسخ‌هایی برای آنها می‌جوییم.

منابع:

- Rorty, R. (1979). *Philosophy and the Mirror of Nature*, Princeton, NJ: Princeton University Press.
- (1996) 'Relativism: Finding and making', in (1999) *Philosophy and Social Hope*, London: Penguin, pp. xvi-xxxii.
- (1980) 'Pragmatism, Relativism, and Irrationalism', in (1982) *Consequences of Pragmatism*, Minneapolis: University of Minnesota Press, pp. xiii- xivii.
- (1990) 'Solidarity or objectivity?', in (1991) *Objectivity, Relativism and Truth: Philosophical Papers, vol. 1*, Cambridge: Cambridge University Press, pp. 21-34.
- Brandom, R. (ed.) (2000) *Rorty and His Critics*, Oxford and Cambridge, Mass.: Blackwell.
- Mosteller, T. (2006) *Relativism in Contemporary American Philosophy, MacIntyre, Putnam, and Rorty* (Continuum Studies in American Philosophy), Continuum (1st edition).



نسبی‌انگاری و برنامه قوی

❖ شهرام شهریاری

«برنامه قوی» عنوان برنامه‌ای پژوهشی در جامعه‌شناسی معرفت علمی است که همه انواع معرفت را دارای مؤلفه‌ای اجتماعی می‌شمارد. دیوید بلور، طراح برنامه قوی، مدعی است که جامعه‌شناسی می‌تواند علت رد یا قبول همه باورها و نظریه‌های علمی را توضیح دهد. از آراء بلور و همکارش بری بارنز با نام «مکتب ادینبرا» نیز یاد می‌شود. محور اصلی برنامه قوی «اصل تقارن» است که برحسب آن، ارزیابی باورها و نظریه‌ها (مثلاً به مثابه صادق یا کاذب) نباید در نحوه تبیین آن باور یا نظریه تأثیری داشته باشد. بلور اصل تقارن را مستلزم نسبی‌گرایی روش‌شناختی می‌داند. اما او به ویژه در آثار اخیرش آشکارا از نسبی‌انگاری در مقام موضعی فلسفی نیز دفاع کرده است. بلور با استناد به دو رأی تناهی‌گرایی و تعیین ناقص استدلال می‌کند که اجماع افراد یا متخصصان هر جامعه صدق و معقولیت را ایجاد می‌کند؛ بنابراین در شکل‌گیری معرفت عناصر اجتماعی نقش علی دارند و با تغییر آن‌ها معرفت‌های متفاوت ایجاد می‌شود. او همچنین رد نسبی‌انگاری را مستلزم مطلق‌انگاری می‌داند که موضعی ناسازگار با طبیعی‌انگاری و از این رو دفاع‌ناپذیر است. بلور با عرضه مطالعات موردی در علوم تجربی و ریاضیات تلقی خود از نسبی‌انگاری را همچون خط مشی واقعی معرفت علمی معرفی می‌کند.

منابع:

- Barnes, Barry and Bloor, David (1982), "Relativism, Rationalism, and the Sociology of Knowledge", in *Rationality and Relativism*, M. Hollis and S. Lukes (Eds.), Cambridge, MA: MIT Press.
- Bloor, David (1991[1976]), *Knowledge and Social Imagery*, Chicago, IL: University of Chicago Press, 2nd/ed.
- Bloor, David (1997), *Wittgenstein, Rules and Institutions*, London: Routledge.
- Bloor, David (2007), "EPISTEMIC GRACE: Antirelativism as Theology in Disguise", *Common Knowledge* 13, pp.: 2-3.
- Bloor, David (2008), "Relativism at 30,000 Feet" In Massimo Mazzotti (ed.), *Knowledge as Social Order: Rethinking the Sociology of Barry Barnes*, ASHGATE: pp.: 13-34.
- Bloor, David (2011a), "Relativism and the Sociology of Scientific Knowledge", in Hales, S. D. (ed.) *A companion to Relativism*, Willey-Blackwell, pp.: 433-456.
- Bloor, David (2011b), *The Enigma of the Airfoil: Rival Theories in Aerodynamics, 1909-1930*, The University of Chicago Press, Chicago, London.



منطق و نسبیت

❖ غلامرضا زکیانی

نسبیت بسیار فراگیر بوده و حوزه‌های مختلفی را درنور دیده است. آیا این فراگیری شامل علمی چون منطق نیز می‌شود؟ منطق معانی و مصادیق زیادی دارد که نسبیت در بسیاری از آنها حاکم است ولی در یک معنای محدود نمی‌توان به نسبیت قائل شد. آن معنای محدود شامل قواعدی چون وضع مقدم، برهان خلف، مثال نقض و اصل تناقض می‌شود. این قواعد شرایط اختلاف/ فهم متقابل افراد بشری را فراهم می‌سازند و اگر نباشند امکان اختلاف/ فهم متقابل از میان برمی‌خیزد.



نسبی‌گرایی اخلاقی

❖ امیرحسین خداپرست

نسبی‌گرایی اخلاقی عنوانی است که برای دیدگاه‌های اخلاقی متفاوتی به کار می‌رود. به نظر می‌رسد آنچه این دیدگاه‌ها را به یکدیگر نزدیک می‌کند این مدعای کهن است که صدق یا کذب داوری‌های اخلاقی با نظر به منظرهای فرهنگی یا تاریخی گوناگون نسبی است، به گونه‌ای که هیچ منظر اخلاقی‌ای بر دیگر منظرهای اخلاقی ترجیح عقلانی ندارد. از نسبی‌گرایی اخلاقی بر این اساس دفاع کرده‌اند که فرهنگ‌های متفاوت ارزش‌های اخلاقی متفاوت یا حتی متعارضی دارند، ارزش اخلاقی جهان‌شمولی در کار نیست و آنچه رواداری بین‌شخصی و فرهنگی را تقویت می‌کند نگرش اخلاقی نسبی‌گرایانه است. در طول تاریخ فلسفه، درباره‌ی این دلایل، و دیگر دلایل مورد نظر نسبی‌گرایان، بحث‌ها و مناقشه‌هایی جدی وجود داشته است. در بحثی که درباره‌ی نسبی‌گرایی اخلاقی ارائه خواهد شد نخست پس‌زمینه‌ی تاریخی این دیدگاه اخلاقی و چپستی مفهومی آن را ایضاح خواهیم کرد. سپس، به دلایلی خواهیم پرداخت که به سود یا به زیان نسبی‌گرایی اخلاقی مطرح شده‌اند. در بخش دوم بحث، به چالش نسبی‌گرایی برای کهن‌ترین نظریه‌ی اخلاق، یعنی فضیلت‌گرایی، می‌پردازیم. از آنجا که تصور بر این بوده است که اخلاق فضیلت متضمن مبنایی آفاقی برای فضیلت‌های اخلاقی و فکری است، رویکرد نسبی‌گرایانه می‌تواند زیربنای اخلاق فضیلت را تهدید کند. در واکنش به این تهدید، برخی فضیلت‌گرایان متأخر کوشیده‌اند با به دست دادن فهمی اقلی از مدعای آفاقی بودن فضیلت، بر چالش نسبی‌گرایانه غلبه کنند. بخش دوم بحث به توضیح و تحلیل این مناقشه اختصاص خواهد داشت.

منابع:

- Foot, Philippa, *Virtues and Vices: and other essays in moral philosophy*, Oxford University Press, 2002
- Gowans, Chris, "Moral Relativism", *The Stanford Encyclopedia of Philosophy* (Summer 2019 Edition), Edward N. Zalta (ed.), URL = <https://plato.stanford.edu/archives/sum2019/entries/moral-relativism/>.
- Gowans, Christopher, "Virtue Ethics and Moral Relativism" in Steven D. Hales (ed.), *A Companion to Relativism*, Wiley-Blackwell, 2011.
- Hursthouse, Rosalind, Gavin Lawrence, Warren Quinn (eds.), *Virtues and Reasons: Philippa Foot and Moral Theory*, Oxford University Press, 1995.
- Kellenberger, J., *Moral Relativism, Moral Diversity & Human Relationship*, The Pennsylvania State University Press, 2001.
- Moser, Paul, Thomas L. Carson (eds.), *Moral Relativism*, Oxford, 2001.
- Westacott, Emrys, "Moral Relativism" in *Internet Encyclopedia of Philosophy*, accessible at: <https://www.iep.utm.edu/moral-re/>.



نسبی‌انگاری زیبایی

❖ امیر مازیار

نسبی‌انگاری زیبایی شناختی رأی به نسبی بودن احکامی است که به طور خاص در باب زیبایی و زشتی امور صادر می‌کنیم و در معنایی عام تر شامل همه قضاوت‌ها و ارزش‌داوری‌های زیبایی‌شناختی ما می‌شود. سابقه بحث نسبی بودن زیبایی و زشتی به یونان باستان و آرای سوفیست‌ها و شکاکان یونان بازمی‌گردد، اما با پیدایش دانش زیبایی‌شناسی در قرن هجدهم که موضوع اصلی آن ادراکات و داوری‌های زیبایی‌شناختی است بحث نسبت این ادراکات و داوری‌ها به یکی از محوری‌ترین مسایل این حوزه تبدیل شد. به‌رغم گستردگی نسبی‌انگاری زیبایی‌شناختی، متفکران بزرگ و کلاسیک زیبایی‌شناسی و حتی فیلسوفانی همچون هیوم و کانت از مخالفان این موضع بوده‌اند. هیوم و کانت زیبایی را امری ذهنی می‌دانستند اما قایل به نسبی بودن آن نبودند. در اندیشه معاصر برساخت‌گرایان ارزش‌گذاری‌های زیبایی‌شناختی را محصول فعالیت نهادهای قدرت در جامعه دانسته و تصویری جدید از نسبی‌انگاری زیبایی‌شناختی ایجاد کرده‌اند.

کانون اصلی نزاع در این بحث آن است که منشأ زیبایی و احکام زیبایی‌شناختی چیست؟ آیا آنها در عین ریشه دارند یا ذهنی‌اند و اگر ذهنی‌اند آیا مبنایی عام برای صدور آنها وجود دارد یا فردی‌اند؟ در این بحث مختصر معنای عینی بودن، ذهنی بودن و برساخته بودن احکام زیبایی‌شناختی و دلایل آنها طرح خواهد شد و اشاره‌ای به سابقه این بحث در فلسفه اسلامی نیز خواهیم داشت.

منابع:

سباستین گاردنر، آشنایی با زیبایی‌شناسی، ترجمه نوید افشارزاده، انتشارات حکمت
کالین لیاس، نقد و تفسیر زیبایی‌شناختی، ترجمه امیر مازیار و امیر نصری، فرهنگستان هنر
پیر سوانه، مبانی زیباشناسی، ترجمه محمدرضا ابوالقاسمی، نشر ماهی



نسبی‌انگاری و زندگی روزمره

❖ حسین شیخ‌رضایی

دربارهٔ نسبت و رابطه نسبی‌انگاری و زندگی روزمره در سال‌های اخیر هم در حوزه روان‌شناسی و هم حوزه فلسفه (خصوصاً فلسفه آزمایشگاهی) پژوهش‌های زیادی انجام گرفته است. در این میان یکی از حوزه‌های مورد توجه بررسی شهود عموم مردم در حوزه فرااخلاق بوده است؛ اینکه شهود عموم مردم بیشتر به مطلق‌انگاری نزدیک است یا به نسبی‌انگاری. پژوهش‌های ابتدایی حاکی از این بوده که شهود عموم مردم در حوزه فرااخلاق بیشتر به مطلق‌انگاری نزدیک است و آنان صدق و کذبی عینی و مطلق برای داوری‌های اخلاقی قائل‌اند. در این سخنرانی، پس از مرور مختصر برخی از این پژوهش‌های اولیه، نشان خواهیم داد چگونه در پژوهش‌های بعدی با ایجاد تغییراتی در چارچوب نظری پرسش‌های مطرح‌شده، نتایجی متفاوت کسب شده است. این نتایج حاکی از آن است که اولاً در بسیاری موارد شهود فرااخلاقی افراد به نسبی‌انگاری نزدیک‌تر است و ثانیاً میزان نسبی‌انگاری هر فرد در مقابله با انواع قضاوت‌های اخلاقی که مربوط به بخش‌های مختلف زندگی روزمره‌اند می‌تواند متفاوت باشد. در ادامه به این نکته خواهیم پرداخت که آیا همبستگی مثبت یا نسبی علی میان باور به نسبی‌انگاری اخلاقی و بروز رفتارهای اخلاقی وجود دارد یا خیر. برخی پژوهش‌های اخیر مؤید چنین همبستگی مثبتی بوده است. با مرور برخی از این پژوهش‌ها خواهیم کوشید عللی برای تبیین احتمالی آنها عرضه کنیم.

منابع:

Tage S. Rai, Keith J. Holyoak, 'Exposure to moral relativism compromises moral behavior', *Journal of Experimental Social Psychology* 49 (2013) 995-1001

Hagop Sarkissian, 'Aspects of Folk Morality: Objectivism and Relativism', *A Companion to Experimental Philosophy*, First Edition. Edited by Justin Sytsma and Wesley Buckwalter

Hagop Sarkissian, John Park, David Tien, Jennifer Cole Wright and Joshua Knobe, 'Folk Moral Relativism', *Mind & Language*



The Value of Relativism

❖ Professor Maria Baghramian

School of Philosophy, UCD

Dublin, Ireland

maria.baghramian@ucd.ie

What is it about relativism that justifies or at least explains its continued appeal in the face of relentless attacks in the long history of the topic? The current paper expands on my earlier response to this question in the Symposium on Relativism in the 2019 Joint Session of The Aristotelian Society and Mind Association <https://academic.oup.com/aristoteliansupp/issue>. In “The Virtues of Relativism” (July 2019) I argued that some of the well-known defences of relativism effectively, if not explicitly, treat relativism as a philosophical stance—that is, a broad perspective or orientation with normative consequences—rather than a doctrine or a thesis. Moreover, such proponents believe that their stance leads to the cultivation of key intellectual virtues such as open-mindedness, tolerance, intellectual humility, and curiosity. I concluded that this virtue epistemic defence ultimately fails because of the epistemic vices that follow from relativism. The current paper restates these arguments and defends them against the criticisms levelled by Professor Kusch, my co-symposiast at the Joint Session.



منابع انگلیسی در نسبی‌انگاری

کتاب‌های عمومی در نسبی‌انگاری

Baghramian, Maria (2004), *Relativism*, Routledge

این کتاب درآمدی است به طیف گوناگون مباحث فلسفی در نسبی‌انگاری، که از حیث جامعیت مثال‌زدنی است. باگرامیان با تاریخچه‌ای از نسبی‌انگاری در سنت فلسفی آغاز می‌کند و توضیح می‌دهد چطور، بواسطه مطالعات مردم‌شناسانه، دامنه نسبی‌انگاری فرهنگی به دیگر حوزه‌های انسانی از جمله معرفت و اخلاق کشیده شده‌است. او در فصل‌های جداگانه‌ای به نسبی‌انگاری در حوزه منطق و در حوزه عقلانیت می‌پردازد، نسخه معرفتی و مفهومی را شرح می‌دهد، و نیز نسبی‌انگاری در مسأله تفسیر و نسبی‌انگاری اخلاقی را به بحث می‌گذارد. دست آخر، و در کشاکش میان نسبی‌انگاری و مطلق‌انگاری، او راه سومی را تحت عنوان کثرت‌گرایی مفهومی باز می‌کند و می‌کوشد به چالش‌های فراوری آن پاسخ دهد.

O'Grady, Paul (2002), *Relativism*, Acumen.

این کتاب نیز به شرح و بسط اقسام نسبی‌انگاری اختصاص دارد. از نسبی‌انگاری در خصوص صدق و منطق گرفته تا نسبی‌انگاری هستی‌شناختی، معرفت‌شناختی و نسبی‌انگاری در باب عقلانیت. در هر سرفصل، اوگرادی عموماً نخست موضع نسبی‌گرا را روشن می‌کند و تفاوت‌های آن را از مواضع شکاکانه یا کثرت‌گرایانه برجسته می‌کند و سپس به نقدهای وارد شده از جبهه مخالف می‌پردازد. در فصل آخر نیز ارزیابی از نسبی‌انگاری عرضه کرده و در دفاع از نسخه معتدلی از آن استدلال می‌کند. ترجمه فارسی این کتاب به قلم حسن امیری‌آرا در دست چاپ است.

Harre, Rom, Krausz, Michael (1995), *Varities of Relativism*, Wiley-Blackwell.

رم هره و مایکل کراوس در این اثر مشترک زمین بازی نسبی‌انگاری را ترسیم می‌کنند و می‌کوشند نشان دهند هر یک از نسخه‌های نسبی‌انگاری کدام تلقی از مطلق‌انگاری را به چالش می‌کشد

Krausz, Michael (1989), *Relativism: Interpretation and Confrontation*, University of Notre Dam Press.

این کتاب مجموعه‌ای است از بیست و یک مقاله تأثیرگذار در موضوع نسبی‌انگاری، که از نوشته‌های مردم شناسانی همچون کلیفورد گریتر تا فیلسوفانی چون نلسون گودمن و گیلبرت هارمن را شامل می‌شود.

Kirk, Robert. (1999). *Relativism and Reality*. London: Routledge.

این کتاب مروری است بر مسایل نسبی‌انگاری که کریک آن را در تقابل با واقع‌انگاری قرار می‌دهد، و نسخه‌هایی از آن را که در ایده‌های ویتگنشتاین، کواین و رورتی ریشه دارد شرح می‌دهد. نخست نسخه‌های ساده‌تر را نقد می‌کند و سپس با نسخه‌های پیچیده‌تر نسبی‌انگاری درگیر می‌شود. دست آخر نیز از قسمی واقع‌انگاری قوی سخن می‌گوید و به نفع سازگاری آن استدلال می‌کند.



Harris, James (1999), *Against Relativism: a philosophical defense of method*, Open Court.

این کتابی است یکسره در نقد نسبی‌انگاری. استراتژی هریس به طور کلی آن است که ناسازگاری‌های منطوقی در نسخه‌های متعدد نسبی‌انگاری را آشکار کند و نشان دهد نسبی‌انگاری، چنانچه جدی گرفته شود، خودابطالگر است. او تکنیک‌های نسبی‌انگاری را علیه خودش استفاده می‌کند. مثلاً نشان می‌دهد که کواپن، در حمله‌اش به تمایز تحلیل-ترکیبی، به صدق‌های تحلیلی متوسل می‌شود. یا رورتی گریزی از مفروض گرفتن اصول معرفت‌شناختی مورد حمله‌اش ندارد، یا اینکه شرح کوهن از پارادایم‌ها اگر خودابطالگر نباشد لاجرم نامفهوم است.

Krausz, Michael (2010), *Relativism: a contemporary Anthology*, Colombia University Press.

این کتاب حجیم نیز مجموعه‌ای است از مقالات کلاسیک در باب اصناف گوناگون نسبی‌انگاری، از تاریخچه آن گرفته تا نسبی‌انگاری در باب صدق، اخلاق، عقلانیت، و نسبی‌انگاری فرهنگی.

نسبی‌انگاری وجودشناختی

Blackburn, S. 1984. *Spreading the Word*. Oxford: Oxford University Press.

این کتابی است در موضوع فلسفه زبان، اما در عین حال می‌توان شرحی از مسایل عمومی نسبی‌انگاری وجودشناختی را در آن مشاهده کرد بویژه از حیث رابطه‌ای که میان این موضع و مناقشه واقع‌گرایی-ناواقع‌گرایی برقرار است

Quine, W. V. 1960. *Word and Object*. Cambridge, MA: MIT Press.

از جمله مباحثی که در این کتاب طرح شده مساله معنا و مکانیزم‌های زبانی تعیین مرجع است که مردم‌شناس خیالی کواپن با آنها درگیر می‌شود. او در این کتاب تز ترجمه رادیکال و عدم تعین ترجمه را بسط داد و راه را برای نسبی‌انگاری وجودشناختی‌اش هموار کرد.

Quine, W. V. 1969. *Ontological Relativity and other essays*. Cambridge, MA: Harvard University Press

از مقاله «در باب آنچه هست» که بگذریم این مجموعه مهم‌ترین نوشته‌های کواپن در نسبی‌انگاری وجودشناختی را گرد هم آورده است. در مقاله دوم این کتاب یعنی «نسبی‌انگاری وجودشناختی» کواپن مدعی می‌شود پرسش از وجود چیزها در جهان هیچ پاسخ مطلق ندارد. آنچه می‌توان از آن پرسید تنها تعهدات وجودشناختی یک نظریه است. یعنی تنها می‌توان پرسید وجود چه انواعی از اشیا یک نظریه را ابطال می‌کند. در مقاله پنجم، «یعنی «انواع طبیعی»، نیز عینیت انواع طبیعی را منکر می‌شود و آنها را قایم به دستگاه شناختی ما می‌سازد.

Putnam, H. 1981. *Reason, Truth and History*. Cambridge: Cambridge University Press.

دامنه موضوعاتی که پاتنم در این مجموعه مقاله بدانها پرداخته فراتر از وجودشناسی است، اما آنچه از این حیث آن را برجسته ساخته حملات سهمگین او به «واقع‌گرایی متافیزیکی» یا «واقع‌گرایی بیرونی»



است. حملاتی که می‌کوشد خواننده را مجاب به پذیر موضع بدیل، یعنی «واقع‌گرایی درونی» کند، موضعی که از آن به قسمی نسبی‌انگاری وجودشناختی تعبیر می‌شود.

Putnam, H. 1987. *The Many Faces of Realism*. La Salle, IL: Open Court.

این کتاب بسط بیشتر موضع پاتنم است، در تقابل با مواضع بدیلش، یعنی واقع‌گرایی متافیزیکی و نسبی‌انگاری فرهنگی. ضمن اینکه ریشه‌های این موضع را در نوشته‌های فیلسوفان دیگری همچون کانت و هوسرل، برجسته می‌کند. بخش قابل توجهی از کتاب نیز به حوزه اخلاق و دفاع از عینی‌گرایی اخلاقی اختصاص دارد.

Searle, J. 1995. *The Construction of Social Reality*. London: Allen Lane.

این کتاب گرچه متمرکز بر شکل‌گیری واقعیت اجتماعی است، اما مهم‌ترین نقدهای وارد بر نسبی‌انگاری مفهومی را می‌توان در آن یافت. در این اثر سرل قویاً به نفع واقعیت بیرونی و نظریه مطابقتی صدق استدلال می‌کند، و در عین حال نشان می‌دهد واقعیت اجتماعی چگونه بر پایه این واقعیت بیرونی و بواسطه توافق اجتماعی ساخته می‌شود. ترجمه فارسی این کتاب نیز به قلم میثم محمدامینی و توسط نشر نو منتشر شده است.

Devitt, M. 1997. *Realism and Truth*, 2nd edn. Princeton, NJ: Princeton University Press.

این کتاب نیز حاوی نقد جانانه‌ای بر نسبی‌انگاری مفهومی است. از نظر دویت هیچ ایده‌ای در هیچ یک حوزه‌های فلسفی، اعم از معرفت‌شناسی، وجودشناسی و معنی‌شناسی، پایه‌ای تر از واقع‌گرایی نیست و بنابراین وابسته کردن واقع‌گرایی به صدق، مفهوم یا معرفت اصولاً نارواست.

نسبی‌انگاری و عقلانیت

Whorf, B. L. 1956. *Language, Thought and Reality*. Cambridge, MA: MIT Press.

این کتاب به لحاظ تاریخی شاید مهم‌ترین اثر در نسبی‌انگاری زبانی باشد. وُرف با تکیه بر مطالعات گسترده مردم‌شناسان در خصوص زبان‌ها و فرهنگ‌های بدوی تلاش می‌کند نشان دهد چطور یک زبان درونی‌ترین ایده‌ها و اندیشه‌های ما را شکل می‌دهد. ایده رادیکال او آن است که ادراک ما از جهان و شیوه‌های اندیشیدن در خصوص جهان عمیقاً متأثر از ساختار زبان‌هایی است که بدانها صحبت می‌کنیم.

Kuhn, T. S. 1970. *The Structure of Scientific Revolutions*. Chicago, IL: University of Chicago Press.

کوهن این کتاب را در موضوع تاریخ و فلسفه علم نوشت، اما تأثیرات آن مرزهای این رشته را درنوردید، به طوری که کاربرد کوهن از واژگانی چون پارادایم یا سنجش‌ناپذیری، فرهنگ‌های لغت را نیز وادار به تجدید نظر کرد. کوهن در این کتاب به جنگ سنت رایج در فلسفه علم، یا همان تجربه‌گرایی منطقی، رفت و کلیدواژه‌های آن، یعنی عقلانیت و پیشرفت علم، را هدف گرفت. او با به کارگیری استعاره انقلاب‌ها در خصوص تاریخ علم سعی کرد سهم مقولات غیرعقلانی در حرکت علم را برجسته سازد و ادعای تقرب علم به حقیقت را به چالش بکشد.



Wilson, B. (ed.) 1970. *Rationality*. Oxford: Blackwell.

این کتاب حاوی مقالات مهمی از ویلسون، وینچ، مک‌این‌تایر و دیگران در فلسفه علم و به ویژه در گفتگوی میان این رشته و مردم‌شناسی است. به همین جهت، مسایلی همچون فهمیدن باورها و کنش‌های یک فرد یا فرهنگ دیگر، ترجمه ایده‌ها از زبان‌ها و فرهنگ‌های مختلف، و مسأله استدلال میان فرهنگی موضوعات اصلی بحث در این کتاب اند.

Feyerabend, Paul. *Against method*, 3rd ed, London: Verso, 1975.

فایرابند مناقشات تعیین‌کننده در تاریخ علم را زیر ذره‌بین می‌برد تا نشان دهد آنچه از دور عقلانی به نظر می‌آید تا چه اندازه، با ملاک‌های امروزی ما از عقلانیت، نامعقول است، و مدعی می‌شود اتفاقاً همین عناصر نامعقول موتور متحرکه علم بوده‌اند. لذا نتیجه می‌گیرد تمام اصول و قواعد روش‌شناختی موجود فاقد مشروعیت کافی برای ملزم ساختن نظریه‌های علمی به تبعیت از آنها هستند. به عقیده او تنها و تنها یک اصل روش‌شناختی لازم‌الاجراست؛ همه چیز رواست (anything goes) و از همین‌جاست که آنارشیسم روش‌شناختی او پا می‌گیرد.

Brown, H. I. 1988. *Rationality*. London: Routledge.

در این کتاب براون مدل کلاسیک و مسلط از عقلانیت را هدف می‌گیرد. این مدل مسلط عقلانیت را همچون فعالیتی قاعده‌محور می‌فهمد و موفقیت علم را نیز مدیون این شکل از عقلانیت می‌داند. براون اما معتقد است این مدل قادر به بازنمایی واقعیت فعالیت علمی نیست و لذا طرح بدیلی را برای تصویر کردن عقلانیت علمی، آن‌چنان‌که در عمل محقق شده، پیشنهاد می‌کند.

Hollis, M. & S. Lukes (eds) (1982). *Rationality and Relativism*. Oxford: Blackwell.

این مجموعه با مقاله‌ای از نمایندگان برنامه قوی در جامعه‌شناسی معرفت یعنی بارنز و بلور آغاز می‌شود، مقاله‌ای که می‌توان آن را مانیفست نسبی‌انگاری برنامه قوی دانست. پس از آن نیز مقالاتی به قلم گردآورندگان مجموعه، یعنی مارتین هولیس و استیون لوکس، و البته فیلسوفان دیگر آمده است، که همگی در موضوع عقلانیت و عموماً در دفاع از نسخه‌های معتدل‌تر نسبی‌انگاری نگاشته شده‌اند.

نسبی‌انگاری معرفت‌شناختی

Wittgenstein, L. 1969. *On Certainty*. Oxford: Blackwell.

ویتگنشتاین پس از آنکه نشان داد هیچ بازی زبانی مسلطی وجود ندارد که بر همه صورت‌های زندگی حاکم باشد، در این اثر مدعی می‌شود هیچ فهرستی از موازین «درستی» وجود ندارد که بر باورها و استدلال‌های ما حاکم باشد، بلکه با تعدد از موازین مواجه‌ایم که از زمینه‌ای به زمینه دیگر نیز متفاوت‌اند. این موضع از سویی مسیر شکاکیت را هموار کرد و از سوی دیگر زمینه را برای آنچه ایمان‌گرایی ویتگنشتاینی نامیده می‌شود فراهم ساخت. شرح این موضع را می‌توانید در کتاب ویتگنشتاین آنتونی کنی (۱۹۷۳) نشر ققنوس با ترجمه محمدرضا اسمخانی بیابید.

Sosa, E. & Kim J. 2000. *Epistemology: An Anthology*. Oxford: Blackwell

بحث از نسبی‌انگاری معرفت‌شناختی در غالب کتاب‌های عمومی و مجموعه مقالات معرفت‌شناسی



یافت می‌شود. در بخش آخر این کتاب اما چند مقاله مهم به قلم مایکل ویلیامز، پل موزر و استیفن استیچ با تمرکز بر این موضوع آمده است. از این میان، مقاله استیچ بیشتر مورد توجه واقع شده است؛ او نه تنها هنجارهای جهانشمول معرفت را زیر سوال می‌برد که هدف از معرفت را نیز تغییر می‌دهد و پراگماتیسم شناختی را در معرفت‌شناسی بسط می‌دهد.

Rorty, R. 1980. *Philosophy and the Mirror of Nature*. Princeton, NJ: Princeton University Press.

دامنه ایده‌های رورتی در نسبی‌انگاری را نه می‌توان به معرفت‌شناسی محدود ساخت و نه در این کتاب خلاصه کرد. رورتی نه تنها سهمی در تمام حوزه‌های نسبی‌انگاری دارد که بیراه نیست اگر افراطی‌ترین مواضع را نیز در میان فیلسوفان انگلوساکسون به او نسبت دهیم. برای فهمی جامع از این ایده‌ها علاوه بر کارهای متعدّدش، کتاب رورتی (۲۰۰۰) نوشته شاگردش رابرت برندوم قابل مطالعه است.

نسبی‌انگاری اخلاقی

Cook, J.W. (1999) *Morality and Cultural Differences*, Oxford: Oxford University Press.

کوک بر آن است که برای فهم نسبی‌انگاری اخلاقی باید هم وجوه مردم‌شناختی آن را در نظر آورد هم وجوه فلسفی آن را. اما مدعی است طرفین بحث در این موضوع ناموفق بوده‌اند. نه مردم‌شناسان توانسته‌اند بر پایه شواهد تفاوت‌های فرهنگی نسبی‌انگاری را به کرسی بنشانند، نه مطلق‌گرایان از پس رد آن برآمده‌اند. به این دلیل که هر دو فهمی ساختگی و غیرواقعی از اخلاق داشته‌اند، امری که او را ناگزیر از ارائه شرحی دقیق‌تر و پیچیده‌تر از اخلاق می‌کند.

Harman, Gilbert. (2000) *Explaining Value and Other Essays in Moral Philosophy*, Oxford: Oxford University Press.

این کتاب حاوی مقالات مهمی از گیلبرت هارمن در فلسفه اخلاق است. موضوع محوری این مقالات نسبی‌انگاری اخلاقی است و حول مسایلی چون ارزش و ارزش‌داری، فضیلت، اختلاف نظر در اخلاقیات، غریزه اخلاقی، اخلاق حیوانات و شیوه‌های مختلف تبیین اخلاقیات دور می‌زند.

Mackie, J.L. (1977) *Ethics: Inventing Right and Wrong*, Harmondsworth: Penguin.

این کتاب پرتو تازه‌ای بر شکاکیت اخلاقی در قرن بیستم می‌افکند. به عقیده مکی قواعد اخلاقی روزمره ما متکی بر پیش‌فرض وجود واقعیات اخلاقی‌اند، پیش‌فرضی که از جهتی به واسطه غرابت متافیزیکی این واقعیات، و از جهتی نیز به واسطه مشاهدات متعدد حاکی از نسبییت اخلاقی در میان فرهنگ‌ها ناصواب است.

Williams, B. (1985) *Ethics and the Limits of Philosophy*, London: Fontana Press/Collins.

ویلیامز، در این کتاب، هم نقدهایی به انواع مختلف عینیت‌گرایی وارد می‌سازد و هم از نسبی‌انگاری عامی که داوری اخلاقی را وابسته به فرهنگ‌ها و جوامع می‌کند انتقاد می‌کند. در برابر، او شکل خاصی



از نسبی‌انگاری را طرح می‌کند با عنوان relativism of distance، که بر اساس آن داوری اخلاقی تنها در مواجهات واقعی قابل قبول است، و در مواجهات نظری یا فرضی پذیرفتنی نیست.

نسبی‌انگاری صدق

Mackie, J. L. (1964). "Self-Refutation - A Formal Analysis", *Philosophical Quarterly* 14(56), July: 193-203.

مکی در این مقاله به مهم‌ترین نقد وارد بر نسبی‌انگاری در باب صدق می‌پردازد، یعنی خودابطالگر بودن آن. او هدفش را تحلیل صوری خودابطالگری قرار می‌دهد و میان سه نوع خودابطالگری پراگماتیک، مطلق و عملیاتی تمایز می‌دهد تا نشان دهد نمی‌توان همه اقسام خودابطالگری را به یک چوب راند.

Rescher. N. & R. Brandom 1979. *The Logic of Inconsistency*. Oxford: Blackwell.

این کتابی است در دفاع از ناسازگاری. نویسندگان شرحی از ناسازگاری عرضه می‌کنند که در آن ظهور یک ناسازگاری به نقصی موضعی تعبیر می‌شود که قابل اغماض است، و لزوماً کلیت یک نظام را به چالش نمی‌کشد. در این شرح ناسازگاری به جای اینکه یک ویژگی مطلق دانسته شود مانند دیگر ویژگی‌های یک نظام، مثل سادگی یا جامعیت، به صورت امری مدرج دیده می‌شود.

Lynch, M. P. (1998). *Truth in Context: An Essay on Pluralism and Objectivity*. Cambridge, MA: MIT Press.

لینچ در این کتاب از موضعی تحت عنوان «کانت انگاری نسبی‌گرایانه» دفاع می‌کند، که در واقع قسمی کثرت‌انگاری متافیزیکی مبتنی بر آموزه‌های فلسفه معاصر است. به عقیده او می‌توان واقعیات و گزاره‌ها را نسبی دانست بی‌آنکه تلقی‌مان از صدق نسبی یا «سست» شود، به این ترتیب او راهی میانه را باز می‌کند با این امید که در عین پذیرش منطری کثرت‌گرایانه به جهان، مفهومی عینی از صدق را نگاه دارد.

Hales, S. 1997. "A Consistent Relativism", *Mind* 106(421), January: 33-52.

هیلز در این مقاله با ارائه منطقی اینتنشنال برای نسبی‌انگاری می‌کوشد راهی برای فرار از نقد خودابطالگری نسبی‌انگاری به دست دهد. او چارچوبی به دست می‌دهد که نسبی‌گرایان بتوانند به نحو سازگاری صدق‌های اخلاقی، ریاضیاتی، علمی، مذهبی و نیز سیاسی را به عنوان صدق‌هایی نسبی ارائه کنند. از نظر او این جمله که «همه چیز نسبی است» ناسازگار است اما «هر امر صادقی به طور نسبی صادق است» ناسازگار نیست.

Wright, Crispin. 2001. "On Being in a Quandary: Relativism, Vagueness, Logical Revisionism", *Mind* 110(437), January: 45-98.

رایت در این مقاله طولانی می‌کوشد نسخه‌ای منسجم از نسبی‌انگاری صورت‌بندی کند و آن را به دو مسأله دیگر، یعنی پارادوکس توده‌شن و مشکلی در منطق شهودی، ربط دهد. به ادعای او پاسخی که برای مشکل اخیر ارائه می‌کند راه را برای حل دو مشکل اول باز می‌نماید.



منابع فارسی در باب نسبی‌انگاری

مبانی و چارچوب کلی

- گفت‌وگویی درباره نسبی‌انگاری، مطلق‌انگاری و ورای آنها: چهار روز در هند/ مایکل کراوس؛ ترجمه حسن امیری‌آرا؛ تهران: نشر کرگدن، ۱۳۹۷
- هراس از معرفت: در نقد نسبی‌انگاری/ پل بوغوسیان؛ ترجمه یاسر میردامادی. تهران: نشر کرگدن، ۱۳۹۵
- مباحث پلورالیسم دینی، جان هیک، عبدالرحیم گواهی (مترجم)، ناشر: علم، ۱۳۸۷
- نقد و تفسیر زیبایی‌شناسی، کالین لایس، ترجمه امیر مازیار و امیر نصیری، تهران: ناشر: فرهنگستان هنر، ۱۳۹۷
- نسبی‌گرایی اخلاقی/ نوشته نیل لوی؛ ترجمه اسفندیار زندپور. تهران: امیرکبیر، ۱۳۹۰
- علم و جامعه‌شناسی معرفت/ نوشته مایکل مولکی، ترجمه حسین کچوئیان، تهران: نشر نی، ۱۳۸۹

کتب مبانی

- فلسفه و آینده طبیعت/ ریچارد رورتی؛ ترجمه‌ی مرتضی نوری. تهران: نشر مرکز
- صدق به چه کار می‌آید؟؛ مناظره ریچارد رورتی و پاسکال آئنل، همراه چهار جستار دیگر در باب صدق. تهران: نشر کرگدن
- ساختار انقلاب‌های علمی/ تامس کوهن؛ ترجمه سعید زیباکلام. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی
- بازاندیشی تغییرات علمی و مقایسه نظریه‌ها: ثبات، گسست، سنجش‌ناپذیری/ ویراستاران لنا سولر، هوارد سانکی، پل هوینینگن-هون؛ ترجمه پیروز ایزدی. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی
- ویتگنشتاین: قواعد و زبان خصوصی گزارش‌مقدماتی/ سول کریپکی؛ ترجمه‌ی کاوه لاجوردی. تهران: نشر مرکز
- ایده علم اجتماعی/ تالیف پیتر وینچ؛ ترجمه زیرنظر سازمان مطالعه و تدوین (سمت). تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها، ۱۳۷۲
- واقعیت، افسانه و پیش‌بینی/ نلسون گودمن؛ مترجم رضا گندمی‌نصرآبادی. تهران: دانشگاه علوم انسانی مفید
- در مسیر پراگماتیسم/ ویلارد ون اورمن کواین، داندل دیویدسن، ریچارد رورتی؛ ترجمه‌ی مرتضی نوری. تهران: نشر مرکز
- اسطوره چارچوب (در دفاع از علم و عقلانیت)/ کارل ریموند پوپر؛ ترجمه علی پایا. تهران: طرح نو
- پژوهش‌های فلسفی/ لودویک ویتگنشتاین؛ ترجمه فریدون فاطمی، تهران: نشر مرکز، ۱۳۹۷
- در باب یقین/ لودویک ویتگنشتاین؛ ترجمه مالک حسینی. تهران: شهر کتاب، هرمس، ۱۳۷۹



- وضعیت پست‌مدرن: گزارشی دربارهٔ دانش/ ژان فرانسوا لیوتار؛ پیشگفتار فردریک جیمسون؛ مترجم حسینعلی نوذری. تهران: گام نو
- دیرینه‌شناسی دانش/ میشل فوکو؛ ترجمه نیکو سرخوش و افشین جهان‌دیده. تهران: نشر نی
- ساخت واقعیت اجتماعی/ جان ر. سرل؛ ترجمه میثم محمد امینی. تهران: فرهنگ نشر نو؛ آسیم
- ساخت اجتماعی واقعیت: رساله‌ای در جامعه‌شناسی شناخت/ پیتر برگر، توماس لوکمان؛ مترجم فریبرز مجیدی. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی
- کارکردهای ذهنی: درجوامع عقب‌مانده / لوسین لوی-برول؛ ترجمه یدالله موقن. تهران: هرمس
- شاخهٔ زرین، جیمز جرج فریزر، ترجمهٔ کاظم فیروزمند، تهران: نشر آگاه، ۱۳۹۵

کتاب تفسیری مرتبط

- معرفت‌شناسی اجتماعی: طرح و نقد مکتب ادینبورا / سعید زیباکلام. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب درسی دانشگاه‌ها (سمت)
- جامعه‌شناسی اثبات ریاضی / غلامحسین مقدم‌حیدری. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب درسی دانشگاه‌ها (سمت)، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی
- علم و عقلانیت: نزد پل فایرابند/ غلامحسین مقدم‌حیدری. تهران: نشر نی
- معنا و معرفت در فلسفه کواین/ سایه میثمی. تهران: نگاه معاصر
- معنا، معرفت و دیگری در فلسفه دیویدسن/ محمدرضا اسمخانی؛ انتشارات ققنوس. تهران: ققنوس
- ویتگنشتاین و کواین/ ویراستاران [صحیح: مؤلف] رابرت آل آرینگتن، جان گلاک؛ ترجمه حسین شقاقی. تهران: انتشارات امید صبا
- بی‌دلیلی باور، تاملی در باب یقین ویتگنشتاین/ مینو حجت، تهران: هرمس
- یورگن هابرماس، نقد در حوزه عمومی: مجادلات فلسفی هابرماس با پوپری‌ها، گادامر، لومان، لیوتار، دریدا و دیگران/ رابرت هولاب؛ ترجمه حسین بشیریه
- برساخت‌گرایی اجتماعی / ویوین بر؛ ترجمه اشکان صالحی. تهران: نشر نی
- چرندیات پست‌مدرن: سوء استفاده روشنفکران پست‌مدرن از علم/ آلن سوکال و ژان بریکمون؛ ترجمه عرفان ثابتی. تهران: ققنوس
- خوشامدگویی به تناقض: جستاری در باب پارادوکس تناقض و تناقض‌باوری/ رحمان شریف‌زاده؛ تهران: نشر کرگدن





Iranian Institute of Philosophy

Relativism and Its Critics

Science, Philosophy, Ethics

Summer School

August, 2019